مفاوضات - سؤال از مجیء ثانی مسيح و يوم دينونت

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



### سؤال از مجیء ثانی مسيح و يوم دينونت – مفاوضات - اثر حضرت عبدالبهاء – بر اساس نسخه طبع سنهء ١٩٠٨ م

سؤال از مجیء ثانی مسيح و يوم دينونت

جواب

در کتب مقدّسه مذکور است که مسيح دوباره آيد و بعلاماتی مشروط است هر وقتی که آيد بآن علامات آيد . از جمله علامات اينکه آفتاب تاريک گردد و ماه نور ندهد و ستارگان آسمان بر زمين فرو ريزند در آن وقت جميع طوائف زمين ناله و حنين کنند آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پديد گردد و ببينند که ابن انسان بر ابر سوار با قوّت و جلال عظيم ميآيد . تفسير اين آيات را جمال مبارک در رساله ايقان مشروحاً فرموده‌اند احتياج بتکرار نيست بآن مراجعت کنيد معانی آن کلماترا ادراک خواهيد نمود و حال من نيز چند کلمه در اين خصوص صحبت ميدارم . و آن اينکه مسيح در آمدن اوّل نيز از آسمان آمد چنانچه مصرّح در انجيل است حتّی خود حضرت ميفرمايد ابن انسان از آسمان آمد و ابن انسان در آسمانست و بآسمان صعود ننمايد جز آن کسی که از آسمان آمد . اين مسلّم در نزد عموم است که مسيح از آسمان آمد و حال آنکه بحسب ظاهر از رحم مريم آمد همچنانکه در دفعه اولی و فی الحقيقه از آسمان آمد و لو بحسب ظاهر از ارحام آمد . بهمچنين در مجیء ثانی نيز بحقيقت از آسمان آيد و لو بظاهر از ارحام آيد و شروطی که در انجيل بجهت مجیء ثانی مسيح مذکور همان شروط در مجیء اوّل مصرّح چنانکه از پيش گذشت . در کتاب اشعيا خبر ميدهد که مسيح شرق و غربرا فتح خواهد نمود و جميع ملل عالم در ظلّ مسيح خواهند آمد و سلطنت مسيح تشکيل خواهد گرديد و از مکان غير معلوم خواهد آمد و خطا کاران دينونت خواهند يافت و عدالت چنان مجری خواهد گشت که گرگ و بره و پلنگ و بزغاله و مار و طفل شير خواره در يک چشمه و يک چمن و يک آشيانه اجتماع خواهند نمود . مجیء اوّل نيز مشروط باين شروط بود و حال آنکه بحسب ظاهر هيچيک از اين شروط وقوع نيافت لهذا يهود اعتراض بر مسيح کردند و استغفر اللّه مسيح را مسيخ خواندند و هادم بنيان الهی شمردند و مخرّب سبت و شريعت دانستند و فتوی بر قتلش دادند و حال آنکه شروط کلّاً و طرّاً معانی داشت ولی يهود پی بمعانی آن نبردند لهذا محتجب گشتند . و همچنين مجیء ثانی مسيح بر اين منوال است علائم و شروطی که بيان شده جميع معانی دارد نه بحسب ظاهر اگر بحسب ظاهر باشد از جمله ميفرمايد جميع نجوم بر روی زمين سقوط نمايند نجوم بی پايان و بيشمار است و فنّاً در نزد رياضيّون حاليّه ثابت و محقّق گشته که جرم شمس تخميناً قريب يک مليون و نيم اعظم از ارض است و هر يک از اين نجوم ثوابت هزار مرتبه اعظم از شمس اگر اين نجوم سقوط بر روی زمين نمايد چگونه در زمين محل يابد مانند اين است که هزار مليون جبال مثل جبل حمالايا بر روی دانه خردلی افتد اين قضيّه عقلاً و فنّاً بلکه بالبداهة از ممتنعاتست نه ممکنات . و از اين عجبتر آنکه مسيح ميفرمايد من شايد بيايم و شما هنوز در خوابيد زيرا آمدن ابن انسان مثل آمدن دزد است شايد دزد در خانه است و صاحب خانه خبر ندارد پس واضح و مبرهن گشت که اين علامات معنی دارد مقصود بظاهر نيست و معانيش در کتاب ايقان مفصّل بيان شده است بآن مراجعت نمائيد .